



# موقعیت حقوقی تبدیل قرار بازداشت موقت اجباری به وثیقه در اتهام «آدم ربایی»

(حاج علی موگویی)

مقدمه:

در باره بازداشت موقت و انواع آن و جهات و دلایل توجیهی صدور هر یک از قرارهای بازداشت موقت اجباری و اختیاری از دیدگاههای گوناگون می‌توان به گفتگو پرداخت.

عقاید و آرای دکترین و مکاتب حقوقی در مورد بازداشت موقت و حذف آن از فرایند کیفری، محصول تلاش حقوقدانها در کشف نقاط ضعف و قوت قرار توقیف احتیاطی است. توقیف متهم قبل از صدور حکم و در مرحله تحقیقات مقدماتی، به معنای بازداشت فردی است که هنوز اتهام وارد شده به وی در دادگاه صالح مورد رسیدگی واقع نشده و تا مرحله اثبات اتهام از دید قانون "مجرم" تلقی نگردیده و در نتیجه، بی‌گناه و مبرأی از اتهام محسوب می‌شود. به این ترتیب، با چنین عقیده‌ای می‌توان بازداشت موقت متهم را چه از نوع بازداشت اختیاری و چه اجباری، حمل بر تضییع حقوق و آزادیهای قانونی و مخالف با اصل برائت تلقی نمود. اما در این گفتار، فارغ از مبانی فلسفی و سیر تکاملی قرار بازداشت موقت در سیستم‌های "دادرسی کیفری" به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا در تبدیل قرار بازداشت موقت اجباری به یکی دیگر از قرارهای تأمین کیفری، مصالح متهم و جامعه هر دو رعایت می‌گردد یا نه؟ برای پاسخ به موضوع، از نظریه دکترین حقوقی و مبانی قانونی بازداشت موقت اجباری در فرضی استفاده خواهیم کرد که قرار

بازداشت اجباری متهمی به اتهام آدم‌ربایی صادر شده و سپس دادگاه صادرکننده قرار به علل و جهاتی قرار صادر شده را به قرار وثیقه تبدیل می‌نماید.

## ۱. جرم "آدم ربایی" در قانون مجازات اسلامی:

در فصل هفدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، جرم آدم‌ربایی در ماده (۶۲۱) به شرح ذیل مقرر شده است:

«هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره. مجازات شروع به ربودن، سه تا پنج سال حبس است.»

## ۲. جرم آدم ربایی در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲:

جرم آدم ربایی در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ عنوان نشده بود و تنها در ذیل عنوان «در جرایم علیه اشخاص و اطفال» در ماده (۹۷) به جرم «دزدیدن یا مخفی کردن طفل» اشاره شده بود.

## ۳. جرم آدم ربایی در قانون مجازات مصوب ۱۳۰۴:

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ نیز جایگاه قانونی «آدم ربایی» خالی بود و قانونگذار تنها به جرم «ربودن شخص برای عمل منافی یا برای وادار کردن به عمل مزبور، در قسمت الف» ماده (۲۰۹) و «ربودن یا مخفی کردن زنان برای ازدواج» در قسمت و سایر شقوق ماده مذکور اشاره نموده بود.

#### ۴. جرم آدم ربایی در قانون مصوب ۵۳/۱۲/۱۸ و تشدید مجازات آن:

قانونگذار نظر به اهمیت جرم آدم ربایی و مجازات ربایندگان، در سال ۱۳۵۳ مبادرت به تصویب قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص<sup>۲</sup> در دوازده ماده نمود که نظر به اهمیت موضوع، به این قانون و مختصات ویژه آن اشاره می‌شود.

قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص در (۱۲) ماده تنظیم شده بود و مواد (۱ و ۵) آن در واقع در ماده (۶۲۱) قانون مجازات اسلامی آورده شده است و سایر مواد به جرایم ناشی از آدم ربایی در شقوقی که منتهی به فوت مجنی علیه شده یا صدمات جسمی و روانی به مجنی علیه وارد می‌شود، پرداخته است.

هم چنین در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، احکام مربوط به لواط با مجنی علیه، آسیب‌های روانی وارد شده، ناپدید شدن مجنی علیه، شرایط تخفیف مجازات، و موارد تشدید مجازات به موجب قوانین دیگر گنجانده شده بود.

#### ۵. جمع عناوین مجرمانه در آدم ربایی:

همان گونه که قانونگذار در قوانین یادشده آورده است، چنانچه شرایط سنی مجنی علیه یا نوع ادوات و آلات جرم و همچنین وقوع جرایم دیگر با آدم ربایی جمع شود، قاعده تعدد جرم محقق گردیده است و نمونه چنین امری در یک پرونده آدم ربایی واقع شده و به موجب آن شعبه دوم دادگاه عمومی قرار بازداشت اجباری متهم را صادر نموده و بعد از گذشت مدت یک ماه قرار بازداشت اجباری با توسل به بند «د» ماده (۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، به قرار وثیقه تبدیل گردیده است. در زیر متن قرار و سپس نقد آن آورده می‌شود:

#### ۶. قرار تبدیل بازداشت موقت اجباری به وثیقه در

#### پرونده آدم ربایی:

«به تاریخ ۷۹/۶/۱ در وقت فوق العاده، شعبه دو دادگاه عمومی به تصدی امضاکننده ذیل تشکیل و پرونده کلاسه تحت نظر است. پرونده در راستای دستور ریاست محترم شعبه دو وقت جهت بررسی قرار بازداشت موقت صادرشده در خصوص آقای... به نظر رسیده است. ملاحظه می‌شود، قرار صادرشده به استناد ماده (۳۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ صورت گرفته و موضوع قرار از قرارهای بازداشت موقت الزامی است. لکن با دقت

**استندادن از ولی امر به این معناست که حتی با وجود حکم دادگاه بدون اجازه ولی امر نمی‌توان مبادرت به قصاص نفس کرد. حال چگونه می‌شود که شخصی بدون حکم دادگاه مبادرت به قصاص نماید**

در ماده (۳۵) قانون مزبور، متن ماده با رعایت قیود ماده (۳۲) همان قانون و تبصره‌های آن را مورد نظر قرار داده است. از آنجا که یکی از قیود ماده (۳۲)، بند «د» این ماده بوده و برابر بند «د»، در مواردی که آزادی متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردد و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع ورزند و یا بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری کرد و در مانحن فیه، بازداشت موقت متهم چنین موضوعاتی اولاً: با لحاظ جمیع محتویات پرونده منتفی است. ثانیاً: با عنایت به صراحت قسمت اخیر بند «د» (و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری کرد) که مفهوم مخالف آن بیشتر آن است که در صورتی که بتوان به طریق دیگری از آثار تبعی آزادی متهم جلوگیری کرد، صدور بازداشت موقت الزامی نیست، که دقیقاً در قضیه مطرح شده پرونده امکان آن با صدور قرار سنجین از نوع وثیقه یا کفالت بیشتر است و با لحاظ جمیع بخشنامه‌های رئیس محترم قوه قضاییه و تأکیدات شرع انور که کلاً به آزادی انسانها نظر داشته، و به لحاظ اینکه قیود مندرج در ماده (۳۲) و تبصره‌های آن (بند «د» ماده مزبور) در بازداشت موقت متهم مزبور وارد است. علی‌هذا قرار بازداشت موقت صادر شده به قرار وثیقه به مبلغ یک صد میلیون ریال از حال تا ختم رسیدگی و صدور دادنامه و اجرای کامل آن تبدیل و تخفیف می‌یابد. مقرر است دفتر، مراتب به متهم ابلاغ تا در صورتی که وثیقه دارد معرفی سپس پرونده به نظر برسد. رئیس شعبه دوم دادگاه عمومی

#### ۷. مبانی حقوقی صدور قرارهای تأمین کیفری:

#### الف. ضمانت اجرا در اتخاذ تأمین:

یکی از مبانی صدور قرارهای تأمین کیفری به طور اعم و یا تبدیل قرار بازداشت موقت به قرار وثیقه به طور خاص، ملاحظه ضمانت اجرای قرار تأمین صادر شده است. در این میان، قرار بازداشت موقت، موقعیت ممتازی دارد؛ چرا که: «قرار بازداشت موقت نیز که

منجر به توقیف متهم می‌گردد امکان دسترسی به متهم را فراهم می‌سازد و به ضمانت اجرای دیگری نیازمند نیست. اما بقیه تأمین‌ها نیازمند به تضمین بوده و دارای ضمانت اجراست»<sup>(۱)</sup> بنابراین، نوع ضمانت اجرای قرار بازداشت موقت نسبت به سایر قرارهای تأمین از اتقان و استحکام کافی برخوردارست و در همه مراحل رسیدگی، صدور حکم و اجرای حکم، میزان قوت آن یکسان است. بر خلاف قرار وثیقه و کفالت که در صورت عدم حضور متهم، قانونگذار تدابیر تضمینی را تشدید نموده است، ضبط وثیقه و وجه‌الکفاله در واقع ناشی از ضعف درجه تضمین در قرارهای وثیقه و کفالت است که راه حل آن را قانونگذار در مجازات مالی وثیقه‌گذار و کفیل جستجو نموده است.

### ب. هدفهای اختصاصی قرارهای تأمین:

قرارهای تأمین کیفری، متناسب با نوع جرم و شدت مجازات و سایر دلایل مقتضی در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین، در هر مورد خاصی می‌بایست «تناسب» قرار را با جرم و سایر علل موجهه صدور آن سنجید؛ از این نظر: «قرار بازداشت موقت، با توجه به علل و اسباب ویژه و در جهت وصول به هدفهای معینی بنا به اذن یا حکم قانون مجری و معمول می‌گردد. بنابراین، در مورد توقیف‌های احتیاطی، هرگاه آن علل و اسباب ویژه از میان برود، یا هدف و مطلوب حاصل آید طبعاً توقیف، سالبه به انتفای موضوع می‌شود...»<sup>(۲)</sup> بنابراین، هدفهای معین و خاصی که ناظر بر اتخاذ هر نوع قرار تأمین است نمی‌تواند برای همه قرارهای تأمین یکسان باشد و از این رو، هدف خاص یا دلایل اختصاصی مبنای وضع و صدور قرار وثیقه متفاوت از اهداف ناظر بر وضع قرار بازداشت موقت است. این هدفهای اختصاصی یقیناً تابع ماهیت جرایم ارتكابی و موقعیت ویژه حفظ دلایل است.

### ج. موقعیت ویژه قرار بازداشت موقت:

قرار بازداشت موقت بیش از سایر قرارهای تأمین مورد توجه

حقوقدانان قرار گرفته است. «سزار بکاریا» نویسنده کتاب «جرایم و مجازات‌ها»، بر اهمیت قرار بازداشت موقت به منظور حفظ دلایل جرم تأکید ورزیده است: «بنابراین، قانون، قراین جرمی را که موجب زندانی شدن، بازجویی و کیفر متهم است تعیین خواهد کرد: شایعات، فرار، اقرارهای خارج از دادگاه، گواهی معاون جرم، تهدیدها، کینه‌جویی دیرین نسبت به زیان‌دیده، برگه جرم و نشانه‌هایی از این قبیل برای بازداشت یک شهروند دلایل کافی‌اند.»<sup>(۳)</sup> دلایل مذکور، علت وضع قرار بازداشت موقت محسوب می‌شوند. صرف نظر از این که بعضی از موارد مذکور در نظریه بکاریا به عنوان قراین و امارات قضایی تلقی می‌شود و بعضی دیگر مستقیماً به خود جرم ارتكابی مرتبط است» ولی مهم‌ترین دلیل، ضرورت قرار بازداشت موقت «برگه جرم و نشانه‌هایی از این قبیل برای بازداشت یک شهروند» عنوان گردیده است. در نتیجه، هر گاه مدارک و دلایل موجود حاکی از ضرورت صدور قرار بازداشت موقت متهم باشد، صدور سایر قرارهای تأمین موجه نیست: «در صورتی که نتوانیم با صدور سایر قرارها، از توقیف متهم جلوگیری کنیم، و تنها راه جلوگیری از فرار متهم یا امحای آثار جرم یا تبانی با شرکا و معاونین جرم و شهود قضیه و غیره توقیف او باشد، و از آنجایی که در برخی از موارد آزاد ساختن متهم به اجرای عدالت و انجام تحقیقات لطمه می‌زند...»<sup>(۴)</sup> بدین ترتیب، حفظ ادله و انجام تحقیقات به منظور دستیابی به صحت و سقم اتهامات وارد شده، ضرورت صدور قرار بازداشت موقت را توجیه می‌کند. صدور قرار بازداشت موقت به دلایل مذکور حتی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه که متمایل به رعایت اصل آزادی کامل متهم است، در اصلاحات قانونی اخیرالذکر نیز مورد توجه قانونگذار واقع شده است: «اصولاً، به محض اینکه قراین سنگین و هماهنگ، توجیه‌کننده مجرمیت حاصل است، افسر پلیس قضایی باید مظنون را به محضر دادستان شهرستان هدایت کند؛ این امر می‌تواند مقدمه یک قرار بازداشت از طرف رییس دادگاه یا یک قاضی باشد که از طرف وی بدین منظور تعیین شده است.» (ماده ۳۹۶ اصلاحی با قوانین ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ و ۹ ژوئیه ۱۹۸۴)<sup>(۵)</sup> و مهم‌تر از آن، جواز صدور قرار بازداشت موقت در جرایم مشهود، جنایات و حتی در فواصل زمانی جلسات دادگاه است: «در صورت موکول شدن محاکمه به جلسه دیگر، دادگاه با یک تصمیم مخصوص و مستدل می‌تواند متهم را تحت نظارت قضایی قرار داده و یا قرار بازداشت موقت وی را صادر کند (ماده ۳۹۷.۳)؛ این تصمیم موقتاً قابل اجراست.»<sup>(۶)</sup> حتی پس از تشکیل جلسه دادرسی، اگر دادگاه قادر به رسیدگی نباشد، تمدید قرار بازداشت موقت متهم الزامی است: «...دادگاه، اگر فوراً رسیدگی نکند می‌تواند دستور ادامه بازداشت را در شرایط پیش‌بینی شده در ماده (۱-۳۹۷) بدهد

هدفهای معین و خاصی که ناظر بر اتخاذ هر نوع قرار تأمین است نمی‌تواند برای همه قرارهای تأمین یکسان باشد و از این رو، هدف خاص یا دلایل اختصاصی مبنای وضع و صدور قرار وثیقه متفاوت از اهداف ناظر بر وضع قرار بازداشت موقت است. این هدفهای اختصاصی یقیناً تابع ماهیت جرایم ارتكابی و موقعیت ویژه حفظ دلایل است

و رسیدگی را به جلسه دیگر که حداقل دو هفته و حداکثر شش هفته بعد تشکیل می‌شود واگذار کند. به استثنای ضرورت تحقیقات اضافی (ماده ۲ - ۳۹۷)»<sup>(۷)</sup> و به این ترتیب اهمیت صدور قرار بازداشت موقت در جرایم خاص و به منظور دست یابی به ادله و آثار جرم در نظام‌های حقوقی گوناگونی غیر قابل انکار است.

**۸. موقعیت حقوقی تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه:** تبدیل قرار بازداشت موقت به قرار وثیقه، مبین آن است که موجبات بازداشت متهم مرتفع شده است. با عنایت به اینکه حقوق فرانسه در این زمینه بر آیین دادرسی کیفری ایران تأثیر زیادی داشته است، به تجزیه و تحلیل ماهیت قرار بازداشت موقت در حقوق فرانسه می‌پردازیم: «بازداشت موقت بیشتر در موارد جرایم مهم صورت می‌گیرد و مهم‌بودن بزه از روی حداقل دو سال زندان به عنوان مجازات، معین می‌شود. دو شرط دیگر نیز در صدور قرار بازداشت موقت وجود دارد:

۱. بازداشت موقت، طریق منحصر حفظ دلایل و آثار جرم و علایم مادی آن باشد و مانع تقلبات احتمالی و توأم با تبانی شهود و متهم و معاونین جرم شود (بند اول از ماده ۱۴۴ ق. آ. د. ک. ف)

۲. برای تسکین افکار عمومی جامعه و جلوگیری از اختلال نظم عمومی و یا برای صیانت شخصی متهم از عصیان و عملیات انتقام‌جویانه مصدومین بزه یا افراد جامعه مبادرت به بازداشت موقت شود.»<sup>(۸)</sup> بنابراین، در حقوق فرانسه هر گاه شرایطی که موجب صدور قرار بازداشت موقت است مرتفع گردید با تبدیل قرار و آزادی متهم موافقت می‌شود: «بازداشت موقت علی‌الاصول همراه با خاتمه تحقیقات باید پایان پذیرد. (بند دوم ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) و متهمی که از او رفع بازداشت شده است، جز بر اثر تأیید اوضاع و احوال جدید و مهم، قابل بازداشت نمی‌باشد.»<sup>(۹)</sup> در نتیجه، قرار بازداشت موقت زمانی به قرار وثیقه تبدیل می‌شود که کلیه ادله و آثار جرم جمع‌آوری شده و تحقیقات مقدماتی پایان پذیرفته است. در واقع، قرار وثیقه، آثار و نتایجی

**نمی‌توان در اثنای تحقیقات و یا در شرایطی که شرکا و معاونین جرم متواری هستند و متهم اصلی نیز مساعدتی در کشف آثار و ادله جرم نمی‌نماید، به صرف بخشنامه‌های قوه قضاییه، قرار بازداشت موقت اجباری را به وثیقه تبدیل نمود**

ناظر به بعد از تحقیقات مقدماتی دارد و از حیث سهولت دسترسی به متهم در جلسات دادرسی و جهت اجرای حکم وضع شده است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریات متعددی به این نکات اشاره نموده است:

«شماره و تاریخ نظریه: ۱۳۶۰/۹/۲۹. ۷/۴۱۶۲. غرض از صدور قرار وثیقه در بازپرسی، اخذ تضمینی است که هر زمان حضور متهم لازم دانسته شد حاضر شود والا وثیقه به نفع صندوق دولت ضبط گردد.»<sup>(۱۰)</sup> «شماره و تاریخ نظریه: ۱۳۶۲/۴/۱۷. ۱۷. ۷/۲۰۰۸. منظور نهایی از صدور قرار کفالت یا وثیقه، تضمین امکان به اجرا گذاردن حکم جزایی است...»<sup>(۱۱)</sup> «شماره و تاریخ نظریه: ۱۳۶۲/۷/۵۳۲. ۱۳۵۸/۱۰/۹. وجه الکفاله، ضمانت اجرای تسلیم متهم یا محکوم‌علیه در وقت مقرر می‌باشد...»<sup>(۱۲)</sup> بنابراین در جرایمی که قانونگذار بازداشت موقت اجباری را تجویز نموده است، اصل بر بقای بازداشت موقت تا حصول نتیجه معینی در تحقیقات مقدماتی است؛ به نحوی که ادله و آثار جرم جمع‌آوری شده و از حیث استماع شهادت شهود و سایر تحقیقاتی که در روشن شدن اتهام یا اتهامات وارد شده مطرح است، نقصانی مشاهده نگردد. بدین ترتیب، نمی‌توان در اثنای تحقیقات و یا در شرایطی که شرکا و معاونین جرم متواری هستند و متهم اصلی نیز مساعدتی در کشف آثار و ادله جرم نمی‌نماید، به صرف بخشنامه‌های قوه قضاییه، قرار بازداشت موقت اجباری را به وثیقه تبدیل نمود.

**۹. آیا بند "د" ماده (۳۲) مجوز تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه است؟**

همان‌گونه که در قرار شعبه دوم دادگاه عمومی مشاهده می‌شود، به استناد بند "د" ماده (۳۲) که در صدر ماده (۳۵) آمده است، قرار بازداشت موقت اجباری به وثیقه تبدیل شده است. توجیه قرار صادر شده این است که: «... با دقت در ماده (۳۵) قانون مزبور، متن ماده با رعایت قیود ماده (۳۲) همان قانون و تبصره‌های آن مورد نظر قرار داده است و از آنجا که یکی از قیود ماده (۳۲)، بند "د" این ماده بوده و...»<sup>(۱۳)</sup> بنابراین، قرار تبدیل بازداشت موقت به وثیقه در جرایمی که قانونگذار بازداشت موقت الزامی را تجویز نموده است (آدم‌ربایی و...) به زعم قاضی شعبه دوم دادگاه عمومی، به استناد بند "د" ماده (۳۵) قانون آیین دادرسی کیفری امکان‌پذیر است. چنین استنباطی از صدر ماده (۳۵) قانون آیین دادرسی کیفری مجاز و موجه نیست؛ چرا که قانونگذار در مقام احصای موارد بازداشت موقت اجباری، قلمرو شمول بازداشت اجباری را با افزودن بند "د" ماده (۳۲) توسعه داده است؛ به همان نحو که در ماده (۳۲) نیز در مقام احصای موارد بازداشت موقت اختیاری با آوردن بند "د"، دایره شمول بازداشت موقت اختیاری را در کلیه جرایمی که مصادیق بند

**تفسیر قوانین کیفری در همه نظامهای حقوقی تابع قاعده تفسیر محدود می‌باشد و منظور از آن، این است که: «قاضی نمی‌تواند با رنگ تفسیر به طور دلخواهانه اعمالی را که قانونگذار صریحاً پیش بینی نکرده است، چیزی را به قانون اضافه کند»**

د" در آن ملاحظه می‌شود، تعمیم داده است. در واقع، قانونگذار دست قضا را برای صدور قرارهای بازداشت موقت اختیاری و اجباری بازگذاشته است تا چنانچه جرایم ارتكابی از نوع جرایم مندرج در بندهای (الف، ب، ج، ه) و تبصره "ب" ماده (۳۲) نبوده، بتوان به استناد یکی از موارد مصرح در بند "د" ماده (۳۲)، بازداشت موقت اختیاری را تجویز نمود و یا چنانچه جرایم ارتكابی از نوع جرایم مصرح در بندهای (الف، ب، ج، د، ه) ماده (۳۵) قانون آیین دادرسی کیفری نبوده، به استناد بند "د" ماده (۳۲) بتوان قرار بازداشت موقت اجباری متهم را صادر نمود: «... اما در بند "د"، قانونگذار دست قاضی را باز گذاشته و این روند در محاکم، مفاسد زیادی در پی خواهد داشت و ممکن است قاضی با این استدلال که «به نظر من آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده» و یا «آزاد بودن متهم باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقع گردیده» و یا «آزاد بودن متهم، بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد» به صدور قرارهای بازداشت بی‌حد و حصر مبادرت نماید و آزادیهای فردی در معرض خطر و نیستی قرار گیرد.»<sup>(۱۴)</sup> بدین ترتیب حتی منتقدان، بند "د" ماده (۳۲) را که مجوز توسعه قرارهای بازداشت موقت اختیاری و اجباری است، برخلاف مفاد آن تفسیر ننموده‌اند و به عبارت دیگر، مصادیق مندرج در بند "د" ماده (۳۲) و رعایت آن در ماده (۳۵) قانون آیین دادرسی کیفری، به قاضی این امکان را می‌دهد که در سایر جرایم مصرح در مواد (۳۲ و ۳۵) چنانچه یکی از مصادیق بند "د" ماده (۳۲) ملاحظه شد، در آن مصادیق نیز مجوز قرار بازداشت متهم را داشته باشند. حتی اگر این امر از حیث رعایت حقوق و آزادیهای متهم و یا به بیان قاضی محترم شعبه دوم دادگاه عمومی، مغایر «جمیع بخشنامه‌های رئیس محترم قوه قضاییه و تأکیدات شرع انور که کلاً به آزادی انسانها نظر داشته...» تلقی گردد؛ چرا که اراده قانونگذار در بند "د" ماده (۳۲)، جواز بازداشت متهم است نه آزادی متهم: «به‌طور کلی بعد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای

عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸، قرار بازداشت موقت اجباری نخواهیم داشت که مقررات بند "د" در خصوص آن رعایت نشده باشد و تمام قرارهای بازداشت اجباری در داشتن یکی از قیود بند "د" ماده (۳۲) مشترک خواهند بود. دقت در این ماده این مطلب را می‌رساند که متأسفانه قانونگذار دامنه موارد اجباری صدور قرار بازداشت موقت را گسترش داده است؛ چرا که در قانون سابق موارد اجباری صدور قرار بازداشت یکی در تبصره ماده (۱۳۰) مکرر آیین دادرسی بوده و در چند مورد هم در قوانین خاصی وجود داشت. در حالی که در قانون جدید در ماده (۳۵) علاوه بر اینکه تبصره ماده (۱۳۰) مکرر سابقه را عیناً در بند "ج" و قوانین خاص را در بند "ه" ذکر کرده است و تنها محدودیتی که ایجاد کرده در غیر جرایم منافی عفت، رعایت بند "د" ماده (۳۲) و در جرایم منافی عفت رعایت بند "د" و تبصره "ب" ماده (۳۲) را به راحتی محرز دانست. چرا که به اعتقاد اکثریت قضات، بیم فرار و مخفی شدن که یکی از قیود بند "د" می‌باشد در تمامی جرایم وجود دارد.»<sup>(۱۵)</sup> همچنین در جای دیگر، همین نویسنده که از قضات محترم دادگستری است، در خصوص بند "د" ماده (۳۲) که ناظر بر قرار بازداشت موقت اختیاری است می‌نویسد: «... چرا که واقعیت این است که بیشتر قیود موجود در بند "د" را در هر جرمی به راحتی می‌توان مستمسک قرار داد و در کنار هر یک از بندهای (الف و ب و ج) ماده (۳۲) گذاشت و قرار بازداشت موقت مستنداً به این ماده را صادر نموده و به‌هرحال، دامنه صدور قرار بازداشت موقت اختیاری افزایش پیدا کرده است.»<sup>(۱۶)</sup>

**۱۰- آیا توسل به مفهوم مخالف در تفسیر قسمت اخیر بند "د" ماده (۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری جایز است؟**  
اولاً: قاضی محترم صادر کننده قرار تبدیل بازداشت موقت اجباری در جرم آدم‌ربایی به قرار وثیقه، مستند قانونی قرار صادر شده را قسمت اخیر بند "د" ماده (۳۲) عنوان نموده است. ثانیاً: با عنایت به صراحت قسمت اخیر بند "د" (و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری کرد) که مفهوم مخالف آن بیشتر، آن است که در صورتی که بتوان به طریق دیگری از آثار تبعی آزادی متهم جلوگیری کرد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی دقیقاً در قضیه مطرح شده پرونده امکان آن با صدور قرار سنگین از نوع وثیقه یا کفالت بیشتر است...<sup>(۱۷)</sup> بنابراین، به‌زعم قاضی صادر کننده قرار، می‌توان در کلیه جرایم اعم از آنکه از موارد بازداشت موقت اجباری و یا اختیاری باشد، با تفسیر مفهوم مخالف از قسمت اخیر بند "د" می‌توان قرار وثیقه یا کفالت صادر نمود و دیگر نیازی به بازداشت موقت اختیاری و یا اجباری نمی‌باشد. برای پاسخ به این سؤال می‌بایست ابتدا به این امر پرداخت که تفسیر قوانین شکلی کیفری تابع چه قواعدی

است و آیا در استنباط از چنین قوانینی می‌توان به مفهوم مخالف متوسل شد یا نه؟

**توسل به مفهوم مخالف در تفسیر قوانین کیفری منع شده است؛ چرا که مفهوم مخالف، اولاً: در منطوق جملات و عبارتهای قانونگذار نیامده است. ثانیاً: از منطوق جملات فراتر می‌رود و با توسل به معانی مخالف به تفسیری مخالف، اهداف قانونگذار می‌پردازد**

تفسیر قوانین کیفری در همه نظامهای حقوقی تابع قاعده تفسیر محدود<sup>۲۰</sup> می‌باشد و منظور از آن، این است که: «قاضی نمی‌تواند با رنگ تفسیر به طور دلخواهانه اعمالی را که قانونگذار صریحاً پیش بینی نکرده است، چیزی را به قانون اضافه کند.»<sup>(۱۸)</sup> و اصطلاح تفسیر مضیق نیز از همین جا نشأت گرفته است. به عبارت دیگر، تفسیر محدود یا مضیق مبتنی بر این اصل است که: «...قضات برای تفسیر قانون باید به منطوق آن و آنچه که به طور صریح و منجز بیان شده توجه داشته و منظور مقنن را از همان کلمات و جملات بیان شده استخراج نمایند. بدیهی است قاضی برای درک منظور مقنن می‌تواند از قواعد دستوری کمک گرفته و به کارهای مقدماتی و صورت مجلس‌هایی که به هنگام تهیه قانون تنظیم گردیده مراجعه نماید؛ ولی هرگز نمی‌تواند از منطوق جملات قانونی تخطی نماید.»<sup>(۱۹)</sup> بدین ترتیب، توسل به مفهوم مخالف در تفسیر قوانین کیفری منع شده است؛ چرا که مفهوم مخالف، اولاً: در منطوق جملات و عبارتهای قانونگذار نیامده است. ثانیاً: از منطوق جملات فراتر می‌رود و با توسل به معانی مخالف به تفسیری مخالف اهداف قانونگذار می‌پردازد. مفهوم در عبارتهای اصولیین چنین تعریف شده است:

نیست. علی‌هذا قرار بازداشت موقت صادر شده به قرار وثیقه به مبلغ یک صد میلیون ریال تبدیل و تخفیف می‌یابد...» در نتیجه، به‌زعم دادرسی محترم، با قرار وثیقه می‌توان مانع فرار یا مخفی شدن متهم گردید و از آثار تبعی آزادی متهم جلوگیری نمود!؟ اما این استنباط هم معارض با منطوق و مفهوم قسمت اخیر بند «د» ماده (۳۲) است و هم با فلسفه قرار بازداشت موقت به منظور حفظ دلایل و آثار جرم و ممانعت از فرار یا اختفای متهم تعارض و تنافر دارد.

«...المفهوم یكون حکماً من احکام شیء غیر مذکور و حالاً من احواله»<sup>(۲۰)</sup> یعنی مفهوم آن است که حکمی از احکام شیء یا حالتی از احوال آن در جملات ذکر نشده است. در نتیجه، توسل به مفهوم مخالف که حکم آن مخالفت با ظاهر کلمات قانونگذار است در تفسیر قوانین کیفری مجاز نیست. در واقع، می‌توان گفت که توسل به مفهوم مخالف عبارت قانونگذار یکی از شیوه‌های تفسیر موسع از قوانین است که مورد مخالفت کلیه حقوقدانان است و علمای حقوق به طور متفق، مخالف تفسیر موسع قوانین کیفری می‌باشند؛ زیرا علاوه بر اینکه تفسیر موسع با اصل قانونی بودن جرم و مجازات مبیانت دارد، به قول یکی از نویسندگان حقوقی: «... هرگاه قانونی به دست تفسیر موسع مبتلا گردد، در واقع فاتحه آن قانون خوانده شده است، و دیگر اعتباری برای آن نمی‌توان کسب کرد.»<sup>(۲۱)</sup>

بند «د» ماده (۳۲) عیناً بند «۳» ماده (۱۳۰) مکرر قانون آیین دادرسی کیفری سابق است که در ذیل عنوان قرار بازداشت موقت آورده شده است و به هیچ وجه قانونگذار اراده تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه را از آن ننموده است. از طرفی دیگر، اساتید آیین دادرسی کیفری معتقدند که قرار وثیقه امکان دسترسی به متهم را به همانند قرار بازداشت موقت فراهم نمی‌سازد و در نتیجه، نمی‌توان با صدور قرار تبدیل و تخفیف بازداشت موقت به وثیقه از فرار یا اختفای متهم جلوگیری کرد: «در بین انواع مختلف تأمین‌هایی که از طرف قاضی تحقیق برای جلوگیری از فرار یا اختفای متهم و امکان دسترسی به او صادر می‌شود، قرار بازداشت موقت که منجر به توقیف متهم می‌گردد امکان دسترسی به متهم را فراهم می‌سازد؛ اما بقیه تأمین‌ها نیازمند به تضمین بوده و دارای ضمانت اجراست...»<sup>(۲۲)</sup>

**۱۱. آیا قرار وثیقه مانع فرار و مخفی شدن متهم است؟**

ضمانت موجود در قرار وثیقه مطابق تبصره ماده (۱۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت احضار متهم و عدم معرفی وی از ناحیه وثیقه‌گذار، حداکثر ضبط وثیقه طبق مقررات قانون مذکور است و به این ترتیب نمی‌توان به ضرس قاطع اعلام داشت که قرار وثیقه از فرار یا اختفای متهم ممانعت به عمل می‌آورد و از طرفی دیگر، قانونگذار چنانچه از جمله «... و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری کرد» قصد ارائه طریق در تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه یا یکی دیگر از قرارهای تأمین کیفری

دادرسی محترم شعبه دوم دادگاه عمومی، در قرار تبدیل بازداشت موقت اجباری به وثیقه، به قسمت اخیر بند «د» ماده (۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری استناد کرده و چنین استدلال نموده است: «... در صورتی که بتوان به طریق دیگری از آثار تبعی آزادی متهم جلوگیری کرد، صدور بازداشت موقت الزامی



را داشته است، نمی‌بایست بند "د" ماده (۳۲) را هم در موارد بازداشت موقت اختیاری و هم بازداشت موقت اجباری مجوز بازداشت متهم قرار می‌داد؛ زیرا همان‌طور که پیشتر آمد، بند "د" ماده (۳۲) به اجماع حقوقدانان به تنهایی برای بازداشت متهم در کلیه جرایم کفایت می‌کند و در چنین صورتی حمل معنای مخالف بر قسمت اخیر بند "د" ماده (۳۲)، معارض منظور غایی قانونگذار از صدور قرار بازداشت متهم است.

### نتیجه گیری:

جرم آدم‌ربایی از جرایم مخل نظم و امنیت عمومی است، که اگر چه به عنوان جرایم علیه اشخاص مطرح شده است، آثار و عواقب سوء آن فراتر از لطمه به آزادی و حقوق انسانی اشخاص است. قانونگذار، قرار تأمین منحصر به فرد جرم آدم‌ربایی را بازداشت موقت اجباری احصا کرده است و این قرار در زمانی که ادله و آثار جرم جمع آوری نشده و پرونده متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی است، اهمیت بسزایی دارد. قراردادهای تأمین کیفری از حیث دسترسی آسان به متهم و تضمین خسارتهای وارد شده به قرارهای پنج‌گانه تقسیم شده‌اند. قرارهای وثیقه و کفالت از نوع قرارهای مالی هستند و قرار بازداشت موقت تنها قرار است که ناظر به مرحله تحقیقات مقدماتی است و در بعضی از جرایم، مدت آن به زمان دادرسی و صدور و اجرای حکم نیز مقید گردیده است. قانونگذار در احصای موارد صدور قرار بازداشت موقت اختیاری و اجباری، رعایت بند "د" ماده (۳۲) را الزامی دانسته است. بند "د" ناظر بر حفظ ادله و آثار جرم و جلوگیری از تبانی متهمین با یکدیگر و استماع شهادت شهود و ممانعت از فرار و اختفای متهم است و در کلیه جرایم در مورد هر یک از شقوق فوق، صدور قرار بازداشت ضرورت می‌یابد. قسمت اخیر بند "د" ماده (۳۲) در تسری دایره شمول صدور قرار بازداشت موقت، موردی را که بیم فرار یا اختفای متهم وجود دارد از جمله موارد بازداشت متهم دانسته است و منظور قانونگذار از قید قسمت اخیر بند "د" ماده (۳۲) تفسیر مخالف نبوده است. و چنین تفسیری خلاف منطوق اخیر بند (د) ماده (۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری است. در نتیجه، قرار مورخ ۷۹/۶/۱ شعبه دادگاه عمومی مبنی بر تبدیل و تخفیف قرار بازداشت اجباری به وثیقه، برخلاف نصوص قانونی است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. آخوندی، محمودی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۸، ص ۱۴۷.
۲. مسعود، غلامحسین، آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدود کننده آزادی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۴، صص ۸۷، ۸۶.

۳. بکاریا، سزار، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۴۹.

۴. آشوری، محمد، عدالت کیفری، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶، صص ۱۶، ۱۳.

۵. گاستون استفانی، ژرژ لوسور و برناربولوک، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، موضوع و نهادهای دادرسی کیفری، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، صص ۴۷۳، ۴۷۰.

۶. گاستون استفانی، ژرژ لوسور و برناربولوک، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، موضوع و نهادهای دادرسی کیفری، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، صص ۴۷۳، ۴۷۰.

۷. گاستون استفانی، ژرژ لوسور و برناربولوک، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، موضوع و نهادهای دادرسی کیفری، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، صص ۴۷۳، ۴۷۰.

۸. مسعود، غلامحسین، آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدودکننده آزادی)، صص ۱۲۱، ۱۲۰.

۹. همان منبع، ص ۱۲۵.

۱۰. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول انتشارات روزنامه رسمی، بهار ۱۳۷۳، صص ۱۰۶، ۸۶، ۸۳.

۱۱. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی، بهار ۱۳۷۳، صص ۱۰۶، ۸۶، ۸۳.

۱۲. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول انتشارات روزنامه رسمی، بهار ۱۳۷۳، صص ۱۰۶، ۸۶، ۸۳.

۱۳. قرار مورخ ۷۹/۶/۱ شعبه دوم دادگاه عمومی.

۱۴. کریمی، فرشید، قرار بازداشت موقت، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۸۶۱، پنج‌شنبه ۱۳۷۸/۱۲/۱۲، ص ۱۱.

۱۵. آفکندی، رضا، نگاهی دیگر به قرار بازداشت موقت در سیستم قضایی ایران، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۹۸۷، پنج‌شنبه ۱۳۷۹/۵/۲۷، ص ۱۱.

۱۶. آفکندی، رضا، نگاهی دیگر به قرار بازداشت موقت در سیستم قضایی ایران، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۹۸۷، پنج‌شنبه ۱۳۷۹/۵/۲۷، ص ۱۱.

۱۷. قرار مورخ ۷۹/۶/۱ شعبه دوم دادگاه عمومی.

۱۸. استفانی، گاستون، لوسور، ژرژ و... حقوق جزای عمومی، جلد اول، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۷۳.

۱۹ - محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۳۳۲.

۲۰. میرزاابوالقاسم قمی، قوانین الاصول، جلد اول، چاپ تفرش، ص ۱۶۸.

۲۱. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۷.

۲۲. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ص ۱۴۷.